

دوره نهم تعلیمی

جلسه ۶۷

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(در روز مذاکرات روز سه شنبه)

۸ اسفند ماه ۱۳۱۲ - ۱۲ ذیحده ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۲۱۱

قیمت اشراک { مایه : ۲۵ ریال / مایه : ۱۰۰ ریال }  
تک شماره : خود بهال

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۱۲ هـ ( ۱۲ ذیحجه ۱۳۵۲ )

## فهرست مذاکرات

- |   |  |
|---|--|
| ۱ ( تصویب صورت مجلس                               | ۵ ( تصویب لایحه تقدیمی آقای رئیس کل تجارت              |
| ۲ ( تصویب لایحه قرارداد مرابطات بعیده             | ۶ ( استرداد لایحه ایجاد آموزش کارستان از طرف آقای کفیل |
| ۳ ( تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای رئیس کل تجارت | وزارت معارف  |
| ۴ ( تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه    | ۷ ( موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه                   |

( مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز یکشنبه ۶ اسفند ماه را آقای مؤید احمدی ( مفسر ) قرائت نمودند

### ۱. تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس اشکالی نیست؟ ( خیر ) صورت

مجلس تصویب شد

### ۲. تصویب لایحه قرارداد مرابطات بعیده

رئیس - خبر کمیسیون راجع به قرارداد بین المللی

مرابطات بعیده

خبر کمیسیون

کمیسیون بیست و نعلکراف لایحه نمره ۸۶۷۷ دولت راجع به قرارداد بین المللی مرابطات بعیده را با حضور آقای وزیر بیست و نعلکراف مطرح قرارداد چون هیچگونه پیشنهادی از طرف آقایان نمایندگان نرسیده بود عین خبر شور اول

خود را نباید ماده واحده پیشنهادی دولت را برای تصویب

مجلس مقدس پیشنهاد می نماید

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت

ماده واحده - مجلس شورای ملی فرار داد بین المللی

مرابطات بعیده ( ناله کوتیکال-بون ) مشتمل بر چهل ماده

منعقد در مادرید مورخه دسامبر ۱۹۳۲ را که نماینده

دولت شاهنشاهی آرا اعضاء نموده تصویب مینماید

رئیس - ماده واحده مطرح است اشکالی نیست؟ ( خیر )

آقایانیکه ماده واحده را تصویب میکنند قیام فرمایند ( اکثر

قیام نمودند ) تصویب شد .

عین مذاکرات مشروح شصت و هفتمین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ اردیبهشت ۱۳۰۵ )

دایره تدوین و تحریر صورت مجلس

کتابخانه غائبین چاپخانه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : علوی سبزواری - مخلوجی - اسدی - یات - اسفندیاری - وکیل - محمود زهی - بونس آقا و هابزاده

شریعت زاده - چاپچی - کورس



۴- تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای رئیس كل تجارت  
رئیس كل تجارت ( آذی بهمن ) - لایحه ایست از  
برای يك بند قانون انحصار تجارت تنظیم شده و با قید  
در فوریت تقدیم مجلس شورای ملی میشود .

۴- تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه |  
وزیر مالیه - بنده دو لایحه دارم که تقدیم میکنم یکی  
از طرف وزارت عدلیه است که میرود به کمیسیون عدلیه و  
امیدوارم زودتر بگذرد و یکی دیگر هم بودجه سال ۱۳۱۳  
است که آنرا هم انتظار دارم آقایان کمک بکنند همانطور که  
همیشه میکنند و امیدوارم کمیسیون بودجه زود تشکیل  
شود انشاءالله بتوانیم قبل از سال آتی و تا يك هفته دیگر  
تکلیف بودجه سال آتی را بطور قطعی معلوم کنیم  
۵- شور و تصویب لایحه تقدیمی آقای رئیس كل تجارت |  
رئیس - لایحه تجارت فرائت میشود  
ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر باشکده بعضی از واردات مملکت است که بالضروره  
بملاحظات عدیده باید از ابطال تصدیق صدور در قبال ورود آنها  
صرف نظر نمود در موقع تنظیم قانون انحصار تجارت  
برای اینکه اینتفرقه تعادل صادرات و واردات را  
بهمزنند چنین بنظر رسید که میتوان فقط در مقابل  
نود و پنج از صد صادرات صادر کنندگان تصدیق صدور  
داد و باین در ظرف مدتی که بقانون انحصار تجارت عمل  
میشود تجربه معلوم کرد که صدور این میزان تصدیق  
صدور برای حفظ تعادل صادرات و واردات مناسب نیست  
و بهمین ملاحظه امروزه مقداری تصدیق صدور در دست  
صادر کنندگان باقی مانده که بهصرف نرسیده و نمیتواند  
برسد علیهذا برای رفع این تقصیر ماده واحده ذیل را به  
مجلس محترم شورای ملی پیشنهاد و تصویب آنرا بقید دو فوریت  
تقاضا مینماید

ماده واحده - جمله اول از قسمت ج از ماده هشتم  
قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیر ۱۳۱۱ - به  
طریق ذیل اصلاح میشود:

ج - اداره كل تجارت مكلف است از تاریخ تصویب  
این قانون با مراعات شرایط مقرر قانونی بمیزان صدی  
هشتاد و پنج مبلغ تصدیق صدور جواز و روه بدرخواست  
کننده بدهد .

رئیس - فوریت مطرح است آقایانی که با فوریت اول  
لایحه موافقت دارند قیام فرمایند  
( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . فوریت ثانی مطرح است . آقایانی  
که با فوریت ثانی موافقت دارند قیام فرمایند  
( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده واحده مطرح است . آقای کاشف  
کاشف - بنده با اجازه آقایان در موضوع است که  
میخواستم در این موقع تذکر بدهم که بعقیده بنده فوق-  
الماده مؤثر و مهم است یکی همین موضوع تصدیق صدور  
است که بالاخره اسباب زحمت برای تجار و عامه تولید  
کرده است یکی هم طرز معامله است که بعضی از ممالک  
نسبت صادرات ما می کنند . موضوع تصدیق صدور چنانکه  
مکرر هم خدمت آقای وزیر مالیه و آقای رئیس كل تجارت  
عرض شده است مادامی که تمرکز پیدا نکند آن اثری را که  
ما منتظر هستیم برای صادرات داشته باشد نخواهد داشت  
و بعلاوه ضرر هم هست برای اینکه تصدیق میفرمایند وقتی  
که تاجر نتوانست حساب خودش را بکند از تجارت  
صرف نظر میکند خصوصاً تجار خارجی که بیشتر  
صادرات ما در دست آنها است چون قیمت تصدیق صدور  
بارضع امروزه همیشه متزلزل است تاجر صادر کننده هم  
نمیتواند قبلاً حساب خودش را بکند و در حدود آن  
حساب وارد در معاملات بشود مخصوصاً این قسمت در قرش  
که یکی از صادرات عمده ما است خیلی مؤثر است البته  
صادرات ما هم منحصر بمایست هرچاکه بهتر باشد و ارزانتر  
حاجتی را قبلاً میکنند و از آنجا میبرند و داعی ندارند  
که بیایند از ما بخرد پس بنابراین بعقیده بنده باید که این  
ورق بازی را جمع کرد باید داد دست يك مرکزی با يك

قیمت معینی باز از لحاظ منافع صادرات . حالا که ما  
تصدیق میکنیم که این جایزه ایست برای صادرات این  
حساب متزلزل هیچ فایده ندارد اگر نمیبود بعقیده بنده  
بهر بود برای اینکه حد اقل این است که تاجر صادر  
کننده میتواند حساب خود را بکند اما اینطور که هر  
ساعت متزلزل است صدی پنجاه و صدی شصت و صدی  
هفتاد تغییر میکند البته هم صادرات چی نمیتواند حساب خودش را  
بکند هم وارداتی برای اینکه امروز يك واردات چی با تصدیق  
صدور تومانی دو قران وارد میکند و يك واردات چی با تصدیق  
صدور تومانی يك قران وارد میکند و صدی ده تفاوت  
میکند و رقابت میکند با آن اولی و خود این موجب ضرر  
و تشنج بازار است در صادرات هم خود این وسیله میشود  
که ما باجنس خودمان در خارجه رقابت کنیم علاوه بر  
این عقیده بنده این است که دولت یا شرکت بکند یا چه  
بکند باید تصدیق صدور در يك دست باشد بنظارت دولت  
و باقیمت ثابت خرید و فروش شود آنوقت همه این  
محتظورات رفع میشود یکی دیگر هم موضوع معامله ایست که  
بعضی از ممالک با مال التجاره های ما میکنند و ما در مقابل  
معاملات آنها ساکت نشسته ایم از جمله ممالک اطریش مجارستان  
چکسلواکی و لهستان است اینها اجازه ورود مال التجاره  
ایران را بممالک خودشان نمیدهند اگر هم بدهند بقدری  
تضییقات میکنند که تاجر ایرانی قادر نیست مال التجاره  
به آنجا ببرد باید مال را ببرد بفروشد پولش را بیاند آنها  
بدهد و وقتی در مقابل آن از آنها مال خرید باید تصدیق  
ورود آن را به مملکت ایران ببرد مشروط بر اینکه از  
سه ماه تجاوز نکند آنوقت جنس را باو میدهند و الا  
نمیدهند ولی اینها در مملکت ما برای صادرات خودشان  
آزادند مثلاً دولت لهستان جواز واردات امنعه از خارج  
به احدی جز اتباع خودش نمیدهد . اگر يك ایرانی بدبختی  
بخواهد مقداری جنس صادر کند به لهستان باید برود يك  
لهستانی را ببیند و يك اقداماتی بکند تا بتواند با هزاران  
زحمت این کار را بکند پس بعقیده بنده وقتی ما میتوانیم

نتیجه مطلوبه را از این قانون انحصار بکیریم که معامله  
که آنها با ما میکنند ما هم در مقابل آن معامله را بکنیم . یکی  
هم راجع باین لایحه عرض داشتم بطوری که در فراکسیون  
مذاکره شد ابتدا نظر بر این بود که يك مدت معینی  
داده شود برای اینکه این اضافه تصدیق صدور وجوده  
مصرف بشود یکی هم برای این بود که تصدیق صدور بالا  
برود این بالا رفتن تصدیق صدور بفتح مملکت است وقتی  
که ما قائل شدیم این تصدیق صدور جایزه است هر قدر  
جایزه بیشتر قیمت داشته باشد بفتح مملکت است امروز  
صادرات منحصر شده است به پنبه و روده و چیز دیگری  
نداریم برای اینکه صرف نمیکند و تومانی سه قران چهار  
قران پنج قران ضرر دارد پس اگر میخواهیم صادرات ما زیاد بشود  
بایستی جایزه بیشتری را فائل شویم چون جایزه ما منحصر  
بهین تصدیق صدور است باید کاری کرد که قیمت تصدیق صدور  
بالا برود اینهم مربوط به تجار نیست فقط منحصر است به تولید  
کننده یعنی هم آن رعیتی که مصرف میکند و هم آن رعیتی  
که تولید میکند پس بنابراین باید کاری کرد که تصدیق  
صدور رواج داشته باشد و ترقی بکند و اقدام شود در  
خرید و وارد کردن اما وقتی که هیچ مدت نداشته باشد  
آن وارداتی که حتی المقدور قوی هم هست البته سیر میکند  
و يك وسایلی همینطوری که امروز در بازار ما هست و  
قوی است ایجاد میکند پول هم که دارد و با آن وسایل  
میزند قوی سر تصدیق صدور و پائین میآورد اما اگر مدت  
قابل شوند این مضرات تولید نمیشود .

وزیر مالیه - فرمایشی که کردند راجع باینکه تصدیق  
صدور باید تمرکز پیدا کند و در يك دست باشد این را  
قبلاً هم نماینده محترم اظهار داشتند و با ایشان خیلی مذاکره  
شد و ایشان گفته شد که عملی نیست و ضرر هم هست و  
انتظار هم داشتم که بعد از دلایلی که گفته شد باز تکرار  
شود . مقصودشان این است که يك مرکزی بیاید تصدیق  
صدور را بخرد بيك قیمت معینی و بيك قیمت معینی هم  
بفروشد و میگویند این کار را با يك شرکتي بکند یا خود  
دولت آنچه که بادم میآید خودشان در یکماه پیش صحبت  
میکردند و گویا فرمودند عملی نیست که يك شرکتي این



کار را بخواهد بکند برای اینکه اگر فرض کنیم که امروز دولت آمد این کار غلط را کرد و مجلس شورای ملی هم با این غلط موافقت کرد و فرار گذاشتند انحصار خرید و فروش تصدیق صدور بیک مرکز معین با یک شرکتی داده شود نتیجه اش چه میشود نتیجه اش این میشود که اینها بیایند با یک قیمت معینی تصدیق صدور را بخرند آنوقت این تصدیق صدور ها اگر بیش از آنچه که بآن احتیاج است باشد یعنی فرض کنیم ده میلیون تصدیق صدور خرید و حالا که می آیند از او می خواهند بخرند هشت میلیون تقریباً تصدیق صدور مورد احتیاج است دو میلیون دیگر در دست آن شرکت خواهد ماند آنوقت ضررش چقدر خواهد بود آن شرکتی که این کار را میکند چکار بکند مگر اینکه بگوید من این تصدیق صدور را بیخرم یک قران و میفروشم به دو قران تا وقتی که بتوانم آن ضرر را جبران کنم بنده گمان میکنم هیچ دولتی نمیتواند بیک شرکتی اجازه بدهد که یک همچو کاری بکند اما اینکه دولت بکند بنده گمان میکنم که هنوز مزه تلخ تجربه اسماری در دهان هم باشد و هنوز اسعار صادراتی بحساب دولت مانده است و وقتی که می خواهند روی یک قسم جنس بیندازند هم میکنند آقا چرا روی این قسم می اندازی پس بکی باید تحمیل کرد آقا این معلوم نیست و بطور قطعی هم نمی تواند بیک قیمتی بخرد بعد خواست بفروشد چون بیشتر از احتیاج است و زیادتر از آن حدی است که تصدیق صدور تقاضا میشود و مردم آقدر احتیاج نداشته اند این لابد قیمتی بالاتر است بعد آن ضرر را دولت از خودش بدهد بنده چون این صحبت ها را کرده بودم بنظرم میرسید که با این دلائل ایشان قانع شده اند و خیال نمی کردم هیچوقت دیگر اظهاری بکنند ولی بدبختانه امروز باز در مجلس اظهار کردند اما راجع باینکه گفتند بعضی مالک هست که یک تعبیقاتی میکنند بنده فعلاً جواب نمیدهم البته ما مطالعه می کنیم می بینیم که چه باید کرد و در یک حدودی که لازم باشد با مصلحت باشد البته دولت هم اقدام خواهد کرد اما راجع بقسمت مدتی

یعنی اینکه بگوئیم بطوری که اول این نظر بود و حالا ایشان میخواهند همان نظر را بقبولانند این است که بگوئیم این قانون از پانزدهم فروردین از یک مدتی بعد اجرا می شود تا نتیجه این شود که یک عده وارد کننده که می بینند از یکماه بعد بایستی بجای پنج در صد تصدیق صدور صدی پانزده تصدیق صدور بگیرند اینها فشار بیاورند و بروند این تصدیق صدور هائی که الآن هست بخرند بلکه اگر دولت خیال داشت از برای یک عده که تصدیق صدور در دستشان جمع شده و خیلی هم متناسف هستیم برای آنها و حالا هر فحشی که بمن بدهند اخلاقاً متاثر نمیشوم و حق بانها میدهم بجهت اینکه یک فاری کرده اند و ضرر کرده اند آنگاه که ضرر برده بادل سوخته خودش منطقی یک کسیکه با خود سردی صحبت میکند حالش نمیشود اما اگر دولت بیاید و این حس قمار را در تجارت تشویق کند و امروز بکند را بدادشان برسد فردا باین وسیله بکند دیگری خودشان را توی این چاه میاندازند ولی برای اینکه فکر بکنند پیش خودشان که دنبال سرما یک کسی هست یعنی دولت هست و باید تاجر مملکت عادت کند روی حساب کار بکند و فکر نمیکند که تاجر مملکت باید روی قمار کار نکند و بالاخره اگر چنانچه دولت بخواهد این فکر و روبه را و این اشخاص را تشویق کند پیشنهاد آقا خیلی خوب است و باید همین کار را کرد و باید گفت تا پانزدهم فروردین تاخیر شود و این کار و این تحمیل از بعد از پانزدهم فروردین بشود و حالا شما وارد کنندگان بروید بین آن اشخاص بیچاره ای که یک مقدار زیادی تصدیق صدور الآن در صندوق تجارخانه هایشان هست و نمیدانند چه بکنند بخرند تا اینکه آنها ضرر نکنند این خیلی خوب است اما گمان میکنم با توضیحاتی که در فراصکسیون داده شد آقایان بدولت ابداً اعتراضی نمیکردند بطور کلی تصدیق صدور که یک قسم جایزه است صادر کننده که قیمتی بدلائل عیدیه که معلوم است و تشریح میکنم یائین آمده میخواهیم بتدریج بگذردی قیمتش بالا رود و نمیخواهیم و نباید امروزه بیک

عده خاصی کمکی بشود زیرا آن کمک ضرر بزرگتری دارد زیرا اگر این کاری را که آنگاه کنند بکنم نه تنها این است که آمده ایم و یک حس بدی را در یک اشخاص تشویق کرده ایم بلکه وارد میکنند هائی که میروند و بر فرض اینکه بکمر تبه این تصدیق صدور ها را بگیرند نتیجه اش این میشود که احتیاجات مملکتی واردات چون محدود است این بدیهی است اگر فرض کنیم که هشت میلیون ده میلیون رفتند تصدیق صدور تا پانزدهم فروردین خریدند این البته برای چه مدتی است از برای یک مدت زیادی است در سال آتی ماه اول دوم سوم چهارم پنجم ششم سال آتی است پس دیگر هر کسی که جنس صادر میکند تصدیق صدورش خریدار ندارد و نتیجه این خواهد شد که امروز ما آمده ایم یک عده را که در زحمت افتادند بهشان یک کمکی کرده ایم برای اینکه بیچاره ها خواسته اند نفع زیادی ببرند و بدبختانه حساب غلط کرده اند و برعکس آن اشخاصی که بطور عادی آمده اند جنس صادر میکنند باید پس گردنشان بزنیم و بگوئیم آقا شما دیگر جنس صادر نکنید نه آقا دولت با این نظر موافق نیست

چند نفر از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده معتمد که در تمام قوانین موضوعه هر قدر بیشتر مذاکره و مشورت شود محفوظ تر میباشد از اینکه یک ضرر هائی بن قوانین مترتب بشود و دولت مجبور شود که زودتر بیاید و یک تغییر بدهد مکرراً متحارج کرده ایم که قوانینی که بسرعت گذشته بعد هم از برای دولت اسباب زحمت شده و هم برای مردم روی این نظر است که با اینکه در این لایحه دولت تقریباً دو ساعه دو فراکسیون بحث شده بنده مقتضی میدانم که در اینجا باز نظرم را عرض کنم تا بهتر حلاجی شود موضوع و اگر چیزش قابل قبول است قبول کنند و اگر نیست یک جواب هالی داده شود از این نقطه نظر بعد از آنکه در فراکسیون مدن مدیدی مذاکره شد بنده مقتضی میدانم که این جا هم عرض بکنم

در اینکه برای تصدیق صدور بایستی یک مساعدتی شود که تنزل فوق العاده نکند هیچکس مخالف نیست زیرا که این برای تشویق صادرات و برای تولید کنندگان خوب است در این قسمت هیچ اختلافی بین ما و دولت یعنی بنده و دولت موجود نیست یعنی مقصود عرضم این است که این را در جواب لازم نیست بهش اشاره شود لفظ در راه اینکه چطور باید از این حمایت خود بنده با این لایحه که مطرح است اختلاف دارم یک تصدیق صدور در مقابل اینکه جنس هر چه از مملکت صادر شد کمربت مکلف است که مطابق آن قیمت تصدیق صدور بدهد و وارد کنندگان مکلف هستند که صد و پنج در مقابل صد تصدیق صدور ارائه بدهند و جنس وارد کنند این قانونی بوده که تا بحال مجری بوده و یک امتیاز واردات هم معاف هستند از اینکه تصدیق صدور ارائه بدهند که عبارت از واردات دولت و کارخانجات باشد فعلاً اینطور مجری بوده و در نتیجه معلوم شده است که واردات غیر از مستثنیات یعنی آن چیزهایی که تصدیق صدور لازم نیست در مقابلش ارائه بدهند از صد و پنج بیشتر بوده یعنی تصدیق صدور بیشتر دست مردم مانده و حالا باید یک کاری بکنند که این تصدیق صدور ها که در دست مردم است این بیشتر جزو احتیاج بشود و به معرف برسد که طلب بیشتر داشته و تقاضا از عرضه بیشتر شود و قیمتش بگذردی بیشتر بالا رود این منظور اصل دولت است که ما هم موافقیم بکارش همینطور است که پیشنهاد کرده اند یعنی همانهاییکه مکلف هستند در قانون که در مقابل ورود تصدیق صدور ارائه بدهند بگذردی بیشتر از سابق مکلف باشند تصدیق صدور ارائه بدهند صدی پنج بود صدی پانزده بکنند که تعدادی پیدا شود بیشتر بخرند و کمتر جنس وارد کنند بعقیده بنده اگر چنانچه آن قسمت مستثنیات را یعنی آن قسمتی از واردات را که هفت هشت ده میلیون شاید بیشتر هم بشود آنها را یک قسمتش را مشمول قانون بکنیم همین نظر قانع میشود و بهیچ جا هم ضرری نمیرسد و بعدالت هم نزدیکتر است وارداتی که مستثنی است خارج از سه قسمت نیست یکی وارداتی است که



عابه وارد میکنند برای کارخانجات یکی هم کارخانجاتی است که دولت وارد میکند یکی هم لوازم راه آهن است یکی هم چیزهایی است که دولت احتیاج دارد وزارت جنگ احتیاج دارد. بنظر بنده این کارهایی که واردات انتفاعی است، اگر تصدیق صدور بدهند هیچ ضرری ندارد بلکه باید هم بدهند برای اینکه دولت پول دارد فوه دارد همه چیز دارد میتواند وارد کند و برای آن چیزها هم تصدیق صدور بدهند چه عیبی دارد برای اینکه اینها برای استفاده است و همبطور کارخانجات اگر ملاحظه در قیمت هایش وقتی که بمنافسه میکنند بشود می بیند صدی ده صدی بیست فرق دارد در اسعارش وقتی که می خواهند بخرند چه قدر تفاوت دارد با فروشش. خود بنده اطلاع دارم کارخانه را در سی و دو سی و سه ریسال دولارش را خریدند و اقساط بدهش را وقتی که خریدند اقساط بدهش رسید به دو تومان وقتی که يك کارخانه این قدر کم و زیاد میشود اگر تصدیق صدور بخرد و اینهم کم کم بکنند چه ضرری دارد خود دولت هم باید بدهد وقتی که يك کارخانجاتی با میلیون ها وارد میکنند این کجکی است به مردم راست است که دولت و ملت یکی هستند فرق ندارند ولی این کار را هم باید بکنند که از هر حیث مرهه باشند و حال آنکه حقیقه یکی هستند. ولی موقع پول دادن يك قدری باهم این جا فرق پیدا میکند این است که بقیه بنده کارخانجات وارده و چیزهای انتفاعی دولت بایستی که آنها هم تصدیق صدور بدهند چرا ندهند؟ راه آهن که سالی هفتده هجده میلیون باید خرج کند و قریب هفت هشت میلیون واردات خارجی دارد. یا طرق که باید هر سال چقدر دینامیت وارد کند این طوری نمیشود نسبت به آن مخارج کلی که میکند برای اینکه بتدریج آن هم تأمین میشود مثلاً راه آهن هم فرمایتند اگر بنا شود تصدیق صدور بخرد خرجش زیاد تر میشود. این مالیات انحصاری ده سال دیگر اثر میکند ولی بیکدفعه مالیات کلی بيك کسی تعدیل شود مصرف کننده کم کم ولو محسوس نیست

مالیاتهای غیر مستقیم ولی اثر میکنند حالی نمیشود ولی فوه خرید کم میشود ارزش راست است يك شاهی است و صد دینار است و اینطور نمی فهمند و اثری ندارد ولی بتدریج وقتی که روی هم جمع شد مثل کسی بماند که در مقایسه بدنش با مابتهالاش یعنی ما بتحال بدن او بیشتر از آن چیزی باشد که وارد می کند اول چندان محسوس نیست ولی یکسال که گذشت محسوس میشود لاغر میشود ضعیف میشود مریض میشود بنده اقتصادی مملکت هم همینطور است. خوب دولت ماروزیروز الحیدافه داریم بزرگتر میشود و هر روز يك کارخانجاتی وارد میکنیم اگر بنا باشد هر چه کارخانه بیاورد بافتون بیاورد که خیر صرف نمیکند این نمیشود اینهم خودش يك خرج کارخانه است که وقتی کارخانه میاورند که پارچه بدهد سوخت میدهند لوازم میخرند مخارج را میدهند تصدیق صدورش را هم بدهند این هم یکی از مخارج است باید بدهند چه فرق میکند چرا ندهند؟ بقیه بنده این مسئله قابل این اندازه دقت هست که در اینجا مذاکره بشود و يك قدری از واردات دولت را بنده خوش نمی بینم که از این قسمت معاف باشند و قسمت های انتفاعی که بتثنی است باید تصدیق صدور بدهند و بنده عقیده ام این است که مشمول قانون باشد و این هم بعدالت نزدیکتر است و هم بهتر است. این عقیده بنده بود.

**ولیر هالیه** - در حقیقت نمایند محترم مخانی داشتند ( دکتر طاهری - نه خبر بنده مخالفی ندارم ) که لازم باشد بنده جوابی در آن قسمت عرض کنم صحبت این را کرده که يك قسمت از وارداتی که از تصدیق صدور معاف است آنها را هم بایستی که ما مشمول قانون کلی و عمومی بکنیم ضمناً هم تصدیق کردند که يك قسمت از آن وارداتی که دولت وارد میکند و معاف است خوب است که معاف باشد. بنده فقط برای توضیح این قسمت باید عرض کنم که نه اینکه خوب است بلکه باید همبطور باشد مثلاً همبطور که فرودند بطور مثال در ضمن واردات منجمه مهمات جنگی است

این باید معاف باشد چرا؟ برای اینکه صرف این بعبارة اخیری پولی که برای این کار مصرف میشود از ذخیره الملکی برداشته میشود که حاصل از تجارت مملکت نیست بنا بر این اگر ما می خواستیم بیاوریم و ملزم کنیم که آنها بیاورد و تصدیق صدور بدهد عیناً مثل این میشود که يك کسی که پولی از خارج بهش برسد و هیچ پوائس و عایدش مربوط بتجارت و نیست او هم که از خارج عایدی دارد اگر خواست جنسی بیاورد و وارداتی داشت آن هم باید حکماً تصدیق صدور بدهد در مقابلش در صورتی که آن پولی که بدست آن شخص آمده است بواسطه این بودهاست که يك مالی از مملکت ما برده بیرون و استفاده کرده است پس بنا بر این يك قسمت از آنچه که دولت وارد میکند و از محل ذخیره مملکتی پولش را بر میدارد و بپردازد آنها اصلاً و مطلقاً از روی حساب و اصول و انصاف بیاوردهند و تصدیق صدور لازم ندارند. برسیم بآن قسمتی که فرودند کارهایی که کارهای انتفاعی است مثل کارخانه این جا کارخانه که دولت وارد می کنند برای خودش يك ترفیض خاصی را قائل نشده که برای آقا و هر وارد کننده دیگری قائل نشده باشد یعنی گفته است هر کس کارخانه می آورد معاف است خوب خودش هم اگر آورد همانطور معاف خواهد بود اما حالا راجع باین کارخانه که حالا اینها را هم بیاوریم و در حال معافیت نگاه داریم یا اینکه تصدیق صدور بدهند بنده عقیده ام این است که مطالب همانطور که خودشان هم گفتند قابل دقت و مطالبه است و باید توجه کرد و قبل از اینکه ایشان بفرمایند این مسئله در هیئت دولت هم مطرح شد و بنا شد که مطالبه بیشتری بشود و همان استدلالی را که آقا کردند می شود کرد و ما هم کردیم منتهی البته خیلی رود تصمیم نگرفتیم به دلیل اینکه دولت هم از وارد کنندگان است خیر ممکن بود که اول بیایند و بگویند که بی دولت کارخانه اش را معاف فرار میدهد مجلس هم موافقت میکند و لیکن سایر وارد کنندگانی کارخانه آنها معاف باشند خبر این از نقطه نظر

حساب دولت بود بلکه از نقطه نظر حساب کلی بود اینها در حساب کردیم و پیش خود فکر کردیم و گفتیم که این کسی که کارخانه می آورد چه میکند؟ راست است که برای نفع خودش می آورد و راست است که برای ضرر نمی آورد لیکن این می آید اولاً از برای يك مقدار از محصول مملکت ما که بایستی برود بخارج و معلوم نیست که چه شکل فروخته میشود با این وضعیت متزلزل و پر اشکال اقتصادی که الان در دنیا هست از برای آن محصولات در خود مملکت مصرف ایجاد میکند و محل مصرف را ایجاد میکند کارخانه را که می آورد این طور میشود که بنده را که با هزار زحمت از مملکت بیرون برون بزرگ تصدیق صدور و کمک دولت و اداره تجارت که میتواند آنرا بردارند و بپردازد در بازار خارج آن جا بتواند بفروشد و مصرفش کنند تا بتوانند بتولید کننده آن بنده پول برسانند این شخص می آید و کارخانه را می آورد و بنده را در همین جا ببخرد و مصرف میکند و از همه آن زحمتهای راحت میکند پس این در واقع بازار پیدا میکند برای مصرف. یکی دیگر اینکه از برای بکده در داخل مملکت کار ایجاد میکند تمام عملیات و کارگران و تمام آن اشخاصی که کارخانه را اداره میکنند برای آنها هم کار پیدا میشود خوب حالا به بینیم به آن کسی که بکده است از بازاری را که شاید ما در خارج نداریم این را در واقع آورده است در مملکت ما و پولوی دست ما این جا گذاشته است بیایم و باو بگویم که تو حتماً باید تصدیق صدور بدهی یا يك چیزی هم بهش باید کمک بکنیم کدام بهتر است با وجود این حال و این اشکالات و مطالبی که عرض کردم باز ممکن است بیشتر وارد شویم و بکدوری مطالبه فصلی بکنیم ممکن است باین نظر هم برسیم که خوب است آن وارد کننده کارخانه هم تصدیق صدور بدهد برای اینکه این هم جزو مخارج دیگرش که بالاخره از من و شما و سایر مصرف کنندگان خواهد گرفت یا این که بیایم و اینجا بيك راه معتدلی در نظر بگیریم یعنی بگویم عرض این که بیاید در مقابل هر صد تومان جنس که میخواهد وارد کند و



کارخانه که می خواهد وارد میکنند عرض این که صدر پنج تومان با صد و پانزده تومان باطل کنند فقط بیاید پنجاه تومان یا چهل تومان باطل کنند که هم بصادق کنند ما که مک شده باشد که صدیق صدورشان باین ترتیب بیشتری داده بشود هم اینکه باو تحمیل زهادی ندهد باشد و کارخانه هم خیلی گران تمام ندهد و باین ترتیب کمتر تمام شود این ممکن است این را هم مطالبه کرد و اگر دیدیم که مصلحت در این است که می آوریم بمجلس و البته از صوبت مجلس نخواهد گذشت و با آقایان مشورت میکنیم و آقایان هم رأی خواهند داد (صحیح است - کافی است مذاکرات)

**رئیس -** پیشنهادی از آقای کاشف رسیده است قرائت میشود:

این جانب بصره ذیل را بماده واحده پیشنهاد مینماید:  
بصره - صدی ده از صدیق صدور های مأخوذه اضافی بحساب اجناس معاف از صدیق صدور منظور نگردد و صرفاً باطل خواهد گردید  
**رئیس -** آقای کاشف

**کاشف -** مطابق قانون سابق برای جواز اجناس معاف از صدیق صدور در درجه اول و در درجه دوم از برای اجناس که دولت وارد می کنند صدی پنج اضافه قائل شده بودند و اینکه مذاکره شد بنده خواستم اینجا عرض کنم نظر این بود که صدی ده اضافه بر آن میزان ندهد بلکه نظر این بود صدی ده از صدیق صدور هائی که در ملکیت هست و بعداً خواهد بود اصولاً باطل شود نه اینکه بآن حساب برود حالا رفتی که صدی پنج را قائل شدند سابق برای آن مصرف دیگر حالا صدی پانزده برای آن مصرف قائل نشوند که یکمیدان وسیعتری باز شود برای اجناسی که معالی گرفته میشود برای شان نظر و ملاحظه بنده این بود که صدی پنج بجای خودش مطابق قانون که در جریان است باشد برای اجناس معاف از صدیق صدور و این صدی ده اضافی باطل شود و بهیچ حسابی بیاید.

**رئیس -** آقایانیکه پیشنهاد آقای کاشف را قابل توجه

دیدانند قیام فرمایند (عده قبلی برخاستند) قابل توجه اند رأی میکنیم بماده واحده آقایانیکه با ماده واحده موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) صوبت شد. آقای کفیل وزارت معارف فرمایند.

**۶ - استرداد لایحه ایجاد آموزگارستان از طرف آقای کفیل وزارت معارف**

**کفیل وزارت معارف (آقای حکمت) -** راجع بلایحه تأسیس دارالمعلمین که چندی قبل از طرف وزارت معارف تقدیم شده بود نظر باینکه مطالباتی در باره موادش شده و بهتر این است که اصلاحاتی درش بشود نظر دولت بر این است که لایحه را مسرد بدارد و بعد از اصلاحات لازمه دو مرتبه تقدیم نماید.

**رئیس -** مسرد میدارید!

**کفیل وزارت معارف -** بل

**۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

**رئیس -** پیشنهاد ختم جلسه شده است جلسه آینده را اگر اجازه بفرمائید پنجشنبه هفدهم اسفند آقای وزیر عالی لایحه قانونی محاسبات عمومی را دارند و بعلاوه برای هفته بعد هم کارها و لوایح بودجه خیلی وقت زیاد لازم دارد. اگر نظری دارید بفرمائید.

عده از نمایندگان - بکشتبه

**اورنگ -** اجازه میفرمائید بکشتبه باشد بهتر است

**رئیس -** اگر نظری دارید بفرمائید

**اورنگ -** استدعای میکنم که اگر ممکن بشود همان بکشتبه را مقرر فرمائید (صحیح است).

**ولیر عالی -** شاید مجلس ما را بد عادت کرده باشد اینطور گفته میشود که هر وقت مجلس به بیند که دولت کارهای زیادی دارد زودتر جلسه میکند (صحیح است) باین مناسبت است که بنده هم نمی میکنم آقایان موافقت بفرمایند که جلسه همان روز پنجشنبه باشد.

**رئیس -** عرض کنم که حالا بنده فهمیدم که این سوء تفاهم را من سبب شدم چون نظر مجلس سرعت بود نه بتأخیر (صحیح است) بنده گفتیم روز پنجشنبه هفدهم و در یادداشت پنجشنبه را هفدهم قرائت کردم و این است

که مجلس اظهار رغبت کرد که مقدم باشد جلسه در روز یکشنبه باشد و الا همان فکری که آقا فرمودند در مجلس وجود دارد (صحیح است) که بقدری که کار هست جلسه بشود و در کار تسریع بشود (صحیح است) و برای اینکه لوایح زودتر بگذرد آقایان حاضر میشوند

و آماده هستند (صحیح است) بنابراین جلسه پنج شنبه دهم اسفند سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده. (صحیح است)

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**

## قانون

تصویب قرارداد بین‌المللی مرابطات بعیده منقده در مادرید

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد بین‌المللی مرابطات بعیده (تله کومیکاسیون) Télécommunication  
مشمول بر چهل ماده منقده در مادرید مورخه ۹ دسامبر ۱۹۳۲ را که نماینده دولت شاهنشاهی آن را امضاء  
نموده تصویب می نماید .

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هشتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس  
شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

اصلاح ماده هشتم قانون انحصار تجارت خارجی

ماده واحده - جمله اول از قسمت (ج) از ماده هشتم قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیر ماه  
۱۳۱۱ بطریق ذیل اصلاح میشود :

ج - اداره کل تجارت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون با مراعات شرایط مقرر قانونی بمیزان  
صدی هشتاد و پنج مبلغ تصدیق صدور جواز ورود بدرخواست کننده بدهد .  
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هشتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب  
مجلس شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر